

تأثیر نابرابری در آمد بر مصرف بخش خصوصی (مطالعه موردی کشورهای منطقه منا^۱)

بهزاد سلمانی*

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

حسین اصغر پور

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

علی دهقانی

دانشجوی دکتری اقتصاد صنعتی دانشگاه تبریز

مجید فشاری

دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشگاه تبریز و

عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد ارومیه

چکیده

در ادبیات اقتصاد کلان بررسی تأثیر نابرابری در آمد بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر مصرف حائز اهمیت می‌باشد. لذا برای این منظور این مطالعه بر آن است تا با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، اثرات نابرابری در آمد را بر مخارج مصرفی سرانه بخش خصوصی در کشورهای منطقه مناطی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۵ بررسی نماید. به منظور نیل به این هدف و با بهره‌گیری از مدل تعدیل یافته کین و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، مدل تحقیق تخمین زده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که متغیرهای نابرابری در آمد و نرخ بهره حقیقی تأثیر منفی و

بهزاد سلمانی behsalmani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۱۷

* - (نویسنده مسئول):

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۰

۱- Middle East and North Africa

۲- Qin et al

معنی دار بر مصرف بخش خصوصی داشته، در حالی که تاثیر متغیر درآمد سرانه بر مصرف بخش خصوصی مثبت و معنی دار بوده است. از این رو، مهم ترین توصیه سیاستی این تحقیق آن است که سیاست گذاران اقتصادی این کشورها به منظور افزایش سطح مصرف لازم است از سیاست های باز توزیعی نظیر پرداخت های انتقالی و یا توزیع مجدد درآمد (اعطای یارانه) غافل نمانند تا بدین ترتیب بتوانند با کاهش نابرابری درآمد، موجبات افزایش مصرف خصوصی را فراهم آورند.

واژه های کلیدی: مصرف بخش خصوصی، نابرابری درآمد، تکنیک داده های تابلویی، منطقه منا.

طبقه بندی JEL: C۲۳, D۹۱, E۲۵

The Effect of Income Inequality on Private Consumption: The Case Study of MENA Countries

Behzad Salmani

*Assistant Professor of Economics,
University of Tabriz*

Hossein Asgharpur

*Assistant Professor of Economics,
University of Tabriz*

Ali Dehghani

*Ph.D. Student of Industrial Economics,
University of Tabriz*

Majid Feshari

*Ph.D. Student of International
Economics, University of Tabriz and
Member of Young Researchers Club,
Urmia Unit*

Abstract

The investigation of income inequality effect on private consumption is considered as an important issue in macroeconomic literatures.

Hence the main objective of this paper is to study the effect of income inequality on private consumption in MENA countries during the (۱۹۷۵-۲۰۰۶). For this purpose, the modified Qin et al. (۲۰۰۹) model has been estimated by panel data approach.

The main findings indicate that, income inequality and real interest rate have negative and significant and per capita income has positive and significant effects on private consumption, respectively. Accordingly, the main implication policy of this paper is that, policy makers of this countries should be decrease income inequalities and adopts re-distribution policies such as transfer payment and subsidies in order to increase the private consumption.

Key Words: Private Consumption, Income Inequality, MENA.

JEL: C۲۳, D۹۱, E۲۵

۱. مقدمه

توزیع درآمد از جمله موضوعات مهم اقتصادی و اجتماعی است که به دلیل وجود روابط متقابل آن با متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، مصرف، سرمایه گذاری و پس انداز و متغیرهای اجتماعی نظیر بزهکاری، همواره مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی بوده است. مروری بر ادبیات موضوعی آثار نابرابری درآمد نشان می‌دهد که بسته به شرایط اقتصادی کشورهای مورد بررسی، فروض، مدل‌ها و تکنیک‌های اقتصادسنجی مورد استفاده، افزایش نابرابری درآمد می‌تواند بر متغیرهای مهم کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد. در این راستا، برخی اقتصاددانان معتقدند که مصرف در مقایسه با سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر درآمد، متغیر مناسبی برای تجزیه و تحلیل آثار نابرابری درآمد محسوب می‌شود (Slesnick, ۱۹۹۸).

مخارج مصرفی یکی از شاخص‌های مستقیم اندازه‌گیری میزان رفاه افراد و خانوارها می‌باشد. اگر خانوارها با استفاده از جریان استقراض و پس انداز و وام دهی بازار سرمایه قادر به هموار سازی نوسانات مصرف خود باشند در آن صورت جریان‌ات درآمدی خانوارها دارای نوسانات مقطعی و گذرا خواهند بود. علاوه بر این، افزایش در اختلاف درآمد خانوارها به دلیل نوسانات گذرا و مقطعی و در صورت هموار سازی جریان‌ات مصرف خانوارها، ممکن است منجر به تغییرات اندک در توزیع رفاه خانوارها شود. از طرف دیگر، نابرابری درآمد می‌تواند از طریق تغییر میل نهایی به مصرف منجر به تغییر مصرف و پس انداز در اقتصاد شود. هم‌چنین نابرابری درآمد نیز در فرایند انباشت سرمایه به دلیل تغییر نرخ پس انداز و مصرف و قیمت‌های نسبی عوامل تغییر پیدا می‌کند. از نقطه نظر تئوریک و مطابق با مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، میل نهایی به پس انداز در نتیجه افزایش ثروت و درآمد خانوارها افزایش پیدا می‌کند که در نتیجه این امر ممکن است میزان مصرف خانوارها کاهش یابد. بنابراین، به لحاظ تئوریک اثرات نابرابری درآمد بر مصرف مبهم بوده و چگونگی رابطه بین مصرف و توزیع درآمد می‌تواند با انجام مطالعات تجربی تبیین و تعیین شود.

نتایج مطالعات تجربی نیز دلالت بر متفاوت بودن اثرات توزیع درآمد بر مصرف دارند، به طوری که اغلب مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه نظیر مطالعات ساهوتا^۱ (۱۹۹۳)، کوک^۲ (۱۹۹۵) و هانگ^۳ (۱۹۹۵) رابطه معکوس بین نابرابری درآمد و مصرف را در چارچوب مطالعات بین کشوری نتیجه گیری نموده اند. در حالی که در گروه دیگر مطالعات که توسط ماسگرو^۴ (۱۹۸۰) و ادواردز^۵ (۱۹۹۶) انجام شده است، رابطه مستقیم بین نابرابری درآمد و مخارج مصرفی نتیجه گرفته شده است. لذا از آنجا که به لحاظ تئوریک و مطالعات تجربی در خصوص چگونگی اثرگذاری نابرابری درآمد بر مصرف اتفاق نظر وجود ندارد، به نظر می رسد به منظور تبیین رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف و بررسی تجربی این موضوع برای گروه دیگری از کشورها از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) با استفاده از تکنیک های جدید اقتصاد سنجی ضروری است.

در این راستا، در این تحقیق سعی شده است با استفاده از رهیافت داده های تابلویی رابطه بین متغیر نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی برای کشورهای منطقه خاور میانه و شمال آفریقا (MENA)^۶ طی سال های (۲۰۰۶-۱۹۷۵) مورد بررسی قرار گیرد. سؤال اصلی این مطالعه چگونگی تأثیرگذاری نابرابری درآمد بر مخارج مصرفی بخش خصوصی در گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. برای پاسخ گویی به این سؤال، ادامه مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است: در بخش دوم، چارچوب نظری و در بخش سوم مطالعات تجربی ارائه شده است. در بخش چهارم مدل و داده های آماری تحقیق معرفی شده است. در بخش پنجم مقاله به تخمین مدل و تحلیل یافته ها پرداخته شده و بخش پایانی مقاله نیز به نتیجه گیری و ارائه توصیه های سیاستی تحقیق اختصاص یافته است.

۱- Sahota

۲- Cook

۳- Hong

۴- Musgrove

۵- Edwards

۶- فهرست کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در پیوست مقاله ارائه شده است.

۲. چارچوب نظری رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف

رابطه بین مصرف و پس انداز و نابرابری درآمد در چارچوب تاریخی رشد و تئوری کلاسیکی مصرف همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. در واقع رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف و پس انداز یکی از پایه‌های اساسی مدل‌های رشد نئوکلاسیکی و نئوکینزی در ادبیات رشد اقتصادی می‌باشد. بنابراین، این مدل‌های رشد از نوع مدل‌های تعادل عمومی^۱ بوده به طوری که مصرف، پس انداز و توزیع درآمد از جمله متغیرهای درونزای مدل می‌باشند (Serven & Hebbe, ۲۰۰۰).

در چارچوب مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، کارگران و سرمایه‌داران از لحاظ ویژگی‌های پس انداز یکسان بوده در حالی که در مدل‌های رشد نئوکینزی لوئیس^۲ (۱۹۵۴) و کالدور^۳ (۱۹۵۷) کارگران و سرمایه‌داران دارای ویژگی‌های متفاوت مصرف و پس انداز می‌باشند. لوئیس عنوان می‌کند که پس انداز تابعی از سود بنگاه‌ها بوده و از آنجا که سودآوری بنگاه‌ها و تولیدکنندگان در بخش‌های مدرن و صنعتی اقتصاد بیشتر می‌باشد، در نتیجه پس انداز نیز در بخش‌های مدرن و صنعتی اقتصاد بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان در این بخش‌ها نسبت بیشتری از درآمد خود را پس انداز نموده و سایر گروه‌های درآمدی جامعه به میزان کمتری پس انداز می‌نمایند. از طرف دیگر، در مدل کالدور، کارگران بخش بیشتری از درآمد خود را مصرف نموده و در نتیجه سهم سود این گروه جامعه در درآمد ملی، به نسبت سرمایه‌گذاری به تولید بستگی دارد. پاسینتی^۴ (۱۹۶۲) فرض می‌کند که میل نهایی به پس انداز در بین گروه‌های مختلف افراد با یکدیگر متفاوت بوده به طوری که میزان پس انداز کارگران صفر نبوده بلکه آنها بخشی از درآمد خود را پس انداز می‌نمایند. علاوه بر این به دلیل نامتجانس بودن^۵ مصرف‌کنندگان، تئوری‌های رشد نئوکلاسیکی اخیر به رابطه غیرخطی بین مصرف، پس انداز و درآمد توجه می‌کنند.

۱- General Equilibrium

۲- Lewis

۳- Kaldor

۴- Pasinetti

۵- Heterogeneity

یکی دیگر از چارچوب‌های تئوریک رابطه بین توزیع درآمد، مصرف و پس انداز توسط بکر^۱ (۱۹۷۵) ارائه شده است. در این وضعیت اگر بازدهی کاهنده نسبت به سرمایه انسانی وجود داشته باشد، در آن صورت افراد فقیر و گروه‌های درآمدی پایین نسبت به ثروتمندان، به مقدار بیشتری در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری خواهند کرد. زیرا در الگوی حسابداری رشد متعارف، مخارج مربوط به سرمایه انسانی به عنوان مصرف در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، در این حالت نرخ پس انداز افراد فقیر و با گروه درآمدی پایین به مراتب کمتر از افراد ثروتمند جامعه بوده که در نتیجه آن میزان مصرف گروه‌های درآمدی پایین بیشتر خواهد بود (Biswal, ۲۰۰۲).

علاوه بر این، میزان مصرف و پس انداز احتیاطی^۲ نیز دلالت بر رابطه بین مصرف، پس انداز و توزیع درآمد دارد. در این حالت مصرف کنندگان با وجود سطح درآمد و ثروت پایین، به منظور اجتناب از تعادل احتیاطی خود تمایل به متراکم‌تر کردن مصرف دارند. بنابراین، برای این گروه درآمدی، میل نهایی به مصرف بیشتر از مصرف کنندگانی خواهد بود که تمایل بیشتری به مصرف دارند.^۳

از طرف دیگر در مدل رشد رمزی^۴ مصرف و نابرابری درآمد و ثروت، زمانی افزایش می‌یابد که کشش جانشینی مصرف سرانه که برابر با $\sigma = \frac{-u'(c)}{u''(c)c}$ است افزایش یابد. زیرا نرخ رشد مصرف سرانه افراد در این حالت با افزایش $\frac{-u'(c)}{u''(c)c}$ افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، نابرابری ثروت و درآمد هم سو با افزایش نابرابری مصرف افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به اینکه در این الگو تابع مصرف تابع یکنوا از ثروت و درآمد است، لذا با افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، میزان نابرابری مصرف خانوارها نیز افزایش خواهد یافت^۵ (Foellmi, ۲۰۰۸).

۱- Becker

۲- Precautionary Saving

۴- Ramsey Growth Model

۲ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به (Carroll & Kimball (۱۹۹۶)

۴- برای مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (Foellmi (۲۰۰۸)

۱-۲. مروری بر شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد

در خصوص اندازه‌گیری نابرابری درآمد، شاخص‌های مختلفی توسط اقتصاددانان استفاده شده و برخی از این شاخص‌ها نیز مورد نقد قرار گرفته است. در جدول (۱) به شاخص‌های مهم اندازه‌گیری نابرابری درآمد معرفی پرداخته شده است.

جدول (۱): شاخص‌های مهم اندازه‌گیری نابرابری درآمد

نام شاخص	فرمول محاسباتی
ضریب جینی	$G = \frac{2 \text{cov}(y, r_y)}{n\bar{y}}$
واریانس	$V = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (y_i - \bar{y})^2$
ضریب تغییرات	$c = \frac{\sqrt{V}}{\bar{y}}$
لگاریتم واریانس	$v_1 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n [\log(\frac{y_i}{\bar{y}})]^2$
واریانس لگاریتم	$v_2 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n [\log(y_i) - \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \log(y_i)]^2$
اتکینسون	$A = 1 - \frac{1}{\bar{y}} U^{-1}(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n U(y_i))$
دالتون	$D = 1 - \frac{\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n U(y_i)}{U(\bar{y})}$
تایل	$T = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i}{\bar{y}} \log(\frac{y_i}{\bar{y}})$
هرفیندال	$H = (\frac{y_i}{n\bar{y}})^2$

منبع: (Qin et al, ۲۰۰۹, p. ۷۴)

۳. مروری بر پیشینه پژوهش

در این بخش مطالعات تجربی صورت گرفته در خصوص رابطه بین نابرابری درآمد مصرف در دو قالب مطالعات خارجی و مطالعات داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳. مطالعات خارجی

کوترلر و لورنس^۱ تغییرات در توزیع درآمد و مصرف در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا را بررسی کردند. آنها با استفاده از اطلاعات مربوط به جمعیت و هزینه خانوار، به این نتیجه می‌رسند که اولاً تغییر در مصرف به موازات تغییر در توزیع درآمد خانوارها است. ثانیاً تغییرات در توزیع درآمد، اثر معنی‌دار بر هزینه‌های خانوار نداشته است و ثالثاً اینکه این مسأله توضیحی برای وجود فقر در آمریکا نبوده است (Cutler and Lawrence, ۱۹۹۲).

ساهوتا^۲ با استفاده از اطلاعات ۶۵ کشور در حال توسعه و صنعتی به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و پس انداز در سال ۱۹۷۵ می‌پردازد. یافته‌های تجربی مطالعه مذکور نشان می‌دهد که ضریب جینی به عنوان متغیر جایگزین نابرابری درآمد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ پس انداز این کشورها داشته است (Sahota, ۱۹۹۳).

هانگ^۳ در مطالعه‌ای رابطه بین نابرابری درآمد و نرخ پس انداز داخلی را برای ۶۴ کشور در حال توسعه طی سال‌های (۱۹۸۵-۱۹۶۰) بررسی نموده و نشان می‌دهد بین نابرابری درآمد و نرخ پس انداز رابطه مثبت و معنی‌دار برقراری می‌باشد (Hong, ۱۹۹۵).

ادواردز^۴ رابطه بین پس انداز بخش خصوصی و نابرابری درآمد را برای مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه و عضو OECD طی سال‌های (۱۹۹۲-۱۹۷۰) بررسی می‌نماید. یافته‌های تجربی مطالعه مزبور بیانگر این است که ضریب جینی به عنوان متغیر جایگزین نابرابری درآمد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر پس انداز بخش خصوصی در این گروه کشورها داشته است (Edwards, ۱۹۹۶).

کین و پراساد^۵ با استفاده از آمار و اطلاعات هزینه و بودجه (درآمد) خانوارها سال‌های (۱۹۹۲-۱۹۸۵) به بررسی ارتباط بین مصرف و نابرابری درآمد در لهستان و در دوره گذار

۱- Cutler and Lawrence

۲- Sahota

۳- Hong

۴- Edwards

۵- Keane & Prasad

اقتصادی این کشور می‌پردازند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که همزمان با افزایش نابرابری درآمد، افزایش در مصرف و فقر نیز مشاهده شده است (Keane & Prasad, ۱۹۹۹).

سرون و هبل^۱ در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و پس‌انداز در ۴۲ کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های (۱۹۹۴-۱۹۶۵) می‌پردازند. آنها در مطالعه خودشان نتیجه می‌گیرند که بین نابرابری درآمد و پس‌انداز رابطه مستقیم برقرار بوده ولی این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد (Serven and Hebbel, ۲۰۰۰).

کروگر و پری^۲ با استفاده از اطلاعات درآمد و مخارج خانوارها به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف در آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۷۲ می‌پردازند. یافته‌های مطالعه آنان نشان می‌دهد که افزایش در نابرابری درآمد منجر به افزایش نابرابری مصرف می‌شود (Krueger and Perri, ۲۰۰۲).

بیسوال^۳ در مطالعه‌ای رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف را در کانادا طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۶۹ بررسی می‌نماید. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که با افزایش نابرابری درآمد، مصرف کاهش می‌یابد (Krueger and Perri, ۲۰۰۲).

براون^۴ در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف در آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۸ می‌پردازد. وی در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که نابرابری درآمد دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر مصرف بخش خصوصی می‌باشد (Brown, ۲۰۰۴).

سامر^۵ در مقاله‌ای به ارتباط بین درآمد، مصرف و نابرابری ثروت و دلیل اهمیت اثرات چرخه زندگی بر آنها می‌پردازد. وی در مطالعه خود بیان می‌کند که افزایش نابرابری درآمد، ثروت و مصرف منجر به توجه بیشتر به این مسأله در سال‌های اخیر شده است. در همین سال‌ها، اقتصاددانان کلان به مدل سازی این موضوع برای خانوارها پرداختند. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که

۱- Serven and Hebbel

۲- Krueger and Perri

۳- Biswal

۴- Brown

۵- Sommer

نابرابری مصرف در بین خانوارها با درآمد پایین در دوره مورد بررسی ثابت مانده است (Sommer, ۲۰۰۸).

کین و همکاران^۱ با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و داده‌های سری زمانی فصلی به بررسی اثرات نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی مناطق شهری و روستایی کشور چین طی دوره زمانی (۲۰۰۳:۴ و ۱۹۹۲:۱) پرداخته‌اند. آنها با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی مبتنی بر معادله‌ای که متغیر وابسته آن مصرف سرانه بخش خصوصی بوده و متغیرهای توضیحی آن شامل درآمد سرانه، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، ضریب جینی و نرخ بهره سپرده‌های دیداری می‌باشد، به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف سرانه بخش خصوصی پرداختند نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که نابرابری درآمد از متغیرهای اساسی و مهم در بین متغیرهای توضیحی مدل بوده و تأثیر منفی بر روی مصرف سرانه و همچنین بر GDP و رشد بخش‌ها داشته است (Qin et al, ۲۰۰۹).

گراویس و همکاران^۲ در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد، ثروت و مصرف در کانادا طی سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۷۶) می‌پردازند. آنها در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسند که در دوره مورد بررسی نابرابری درآمد افزایش یافته که این امر منجر به افزایش نابرابری مصرف در این کشور شده است (Geravis et al, ۲۰۰۹).

بلاندل و اتریج^۳ در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از آمار و اطلاعات درآمد و مخارج خانوارها به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف در انگلستان طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ می‌پردازند. آنها در مطالعه خود نشان می‌دهند که با افزایش نابرابری درآمد، مصرف بخش خصوصی در این کشور کاهش می‌یابد (Blundell and Etheridge, ۲۰۱۰).

۲-۳. مطالعات داخلی

۱- Qin et al

۲- Geravis et al

۳- Blundell and Etheridge

علی‌رغم وجود مطالعات متعدد خارج از کشور در حوزه بحث توزیع درآمد و مصرف که در بالا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شد، بررسی‌های به عمل آمده دلالت بر این دارد که در زمینه رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی در ایران مطالعه تجربی انجام نشده است. اما برخی از مطالعات مشابه محققین داخلی در خصوص اثرات توزیع درآمد بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی در زیر مرور می‌شود.

ابریشمی و همکاران در مطالعه خود رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران را در دوره (۱۳۸۱-۱۳۵۰) بررسی می‌نمایند. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که یک رابطه علی یک طرفه از سمت نابرابری درآمد به رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر، تغییرات در نابرابری درآمد، علت تغییرات در رشد اقتصادی است (Abrishami et al, ۲۰۰۵).

مهدوی عادل و رنجبرکی در مطالعه دیگری رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران را در دوره (۱۳۷۴-۱۳۸۱) مورد مطالعه قرار می‌دهند. آنها در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسند که فرضیه کوزنتس در دوره مورد مطالعه، در ایران صادق نیست و یک رابطه هم-انباشتگی بلندمدت مثبت، بین رشد اقتصادی و ضریب جینی وجود دارد (Mahdavi Adeli and Ranjbaraki, ۲۰۰۵).

شهیک‌تاش و دهقانی در مطالعه‌ای شاخص‌های توزیع درآمد ضریب جینی، تایل، هر فیندال و شانن را طی برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که پس از انقلاب اسلامی، نسبت به دوره قبل از انقلاب، روند توزیع درآمد در ایران بهبود یافته و رفاه و سطح مصرف مصرف‌کنندگان را ارتقا داده است (Shahikitash and Dehghani, ۲۰۰۸).

بر اساس مطالعات تجربی صورت گرفته ملاحظه می‌شود که رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف در کشورهای مختلف یکسان نبوده است و نتایج متفاوتی حاصل شده است. از این‌رو لازم است این رابطه در مورد کشورهای منطقه‌ها نیز آزمون شود تا چگونگی ارتباط بین نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی در این گروه کشورها تبیین شود.

۴. معرفی مدل تحقیق، داده‌ها و اطلاعات آماری

بر اساس مبانی نظری موضوع و ادبیات تجربی تحقیق، مدل مورد استفاده در این مطالعه برای تبیین رابطه بین نابرابری درآمد و هزینه‌های مصرفی، مبتنی بر مطالعه کین و همکاران (۲۰۰۹) بوده که با اندکی تعدیلات در مورد کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا استخراج شده است. فرم کلی مدل Qin به صورت زیر است:

$$LPCON_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LPCINC_{it} + \alpha_3 IR_{it} + \alpha_4 LGINI_{it} + \alpha_5 LCPI_{it} + U_{it} \quad (1)$$

که در آن، LPCON، لگاریتم مصرف سرانه بخش خصوصی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، LPCINC، لگاریتم درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، IR، نرخ بهره سپرده‌های دیداری، LGINI، لگاریتم ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد) و LCPI، لگاریتم شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی می‌باشد.

تعدیلات صورت گرفته در مدل فوق بدین صورت است که به جای دو متغیر نرخ بهره سپرده‌های دیداری و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی از متغیر نرخ بهره حقیقی استفاده شده است^۱. زیرا بر طبق مباحث اقتصاد کلان، متغیر نرخ بهره حقیقی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر میزان مصرف بخش خصوصی می‌باشد. به طوری که ارتباط بین نرخ بهره حقیقی و مصرف از طریق تئوری مصرف بین دوره ای فیشرف قابل تبیین است. طبق تئوری مصرف بین دوره ای فیشرف، اگر مصرف تابعی از ثروت حقیقی در نظر گرفته شود، در این صورت تغییرات نرخ بهره حقیقی می‌تواند از طریق اثرات جانشینی و اثرات درآمدی، مصرف را طی دوره تحت تاثیر قرار دهد. اثر جانشینی افزایش نرخ بهره حقیقی دلالت بر کاهش مصرف دوره جاری و افزایش مصرف دوره های آتی دارد و اثر درآمدی دلالت بر افزایش مصرف در طول دوره دارد. بنابراین، اثر افزایش نرخ بهره بر مصرف به برآیند دو اثر جانشینی و درآمدی بستگی داشته و می‌تواند مثبت، منفی و یا صفر باشد (Mankiw, ۲۰۰۳, pp.۴۴۳-۴۴۴). هم‌چنین اثر کینزی نیز دلالت بر

۱- دلیل استفاده از متغیر نرخ بهره حقیقی به جای دو متغیر نرخ بهره سپرده‌های دیداری اسمی و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی آن است که متغیر مصرف سرانه بخش خصوصی یک متغیر حقیقی بوده و از لحاظ تئوریک تابعی از نرخ بهره حقیقی است نه نرخ بهره اسمی. هر چند از طریق فرمول فیشرف، نرخ بهره حقیقی نوعی با این دو متغیر مرتبط بوده که بر اساس آن نرخ بهره حقیقی معادل تفاضل نرخ بهره اسمی و نرخ تورم است. این امر سبب می‌شود قاعده آکام مبنی بر اصل "قلت متغیرهای توضیحی مدل" نیز رعایت شود.

رابطه معکوس بین نرخ بهره حقیقی و مصرف می‌باشد، به طوری که طبق اثر کینزی، با افزایش نرخ بهره حقیقی سرمایه گذاری حقیقی کاهش یافته و این امر موجب کاهش درآمد حقیقی و در نتیجه مصرف می‌شود (شاگری، ۱۳۸۷، صص ۳۴۷-۳۴۲).

لذا، با در نظر گرفتن تحلیل‌های تئوریک انجام شده، می‌توان مدل تعدیل یافته کین و همکاران را برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به صورت زیر در نظر گرفت:

$$LPCON_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LPCINC_{it} + \alpha_3 LR_{it} + \alpha_4 LGINI_{it} + U_{it} \quad (2)$$

در آن، LPCON، لگاریتم مصرف سرانه بخش خصوصی، LPCINC، لگاریتم درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه)، LR لگاریتم نرخ بهره حقیقی و LGINI لگاریتم ضریب جینی (متغیر جانشین^۱ برای نابرابری درآمد) می‌باشد.

شایان ذکر است که داده‌ها و اطلاعات آماری متغیرهای مدل از لوح فشرده بانک اطلاعات جهانی^۲ (۲۰۰۸) استخراج شده و قلمرو زمانی تحقیق سال‌های (۱۹۷۵-۲۰۰۶) می‌باشد.

۵- تخمین مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت مدل اصلی تحقیق با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی برآورد می‌شود. قبل از تخمین مدل لازم است همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گیرد. نتایج آماره آزمون F دلالت بر معنی دار بودن استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای روش حداقل مربعات تجمیع شده^۳ دارد. نتایج این آزمون در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F

مقدار آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	مقدار ارزش احتمال
F(۶,۱)	$\chi^2(6)$	(PV)

۱- Proxy

۲- World Development Indicators

۳- Pooled Least Square

۰/۰۰۰	۸۸/۲۳	۵۰۷/۳۹
-------	-------	--------

منبع: محاسبات تحقیق

برای انتخاب روش مناسب بین روش با اثرات ثابت و تصادفی^۱ باید از آماره آزمون هاسمن^۲ استفاده نمود. نتایج آماره آزمون هاسمن به منظور انتخاب روش تخمین مناسب نشان می‌دهد که استفاده از روش با اثرات تصادفی نسبت به روش با اثرات ثابت، روش مناسبی برای تخمین مدل می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن

مقدار آماره آزمون χ^2	درجه آزادی	مقدار ارزش احتمال
۰/۰۰۵	۳	۰/۹۵

منبع: محاسبات تحقیق

در ادامه، بر اساس نتیجه آماره آزمون هاسمن در انتخاب روش مناسب، مدل اصلی تحقیق با روش با اثرات تصادفی تخمین زده شده است. نتایج تخمین مدل در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی

مدل با اثرات تصادفی (Random Effect)			
متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
C	۱/۴۲	۳/۱۸	۰/۰۰۰۳
LGDP	۰/۴۲	۱۶/۰۱	۰/۰۰۰
LGINI	-۰/۲۵	-۳/۳۴	۰/۰۱۵
LR	-۰/۱۱	-۲/۲۶	۰/۰۵
$DW = 1.11$ و $F = 34.150$ ، $\bar{R}^2 = 0.91$ ، $R^2 = 0.94$ Number of Cross Sections after adjustments=۱۱، Observation=۲۳۱			

۱- Fixed & Random Effects

۲- Hausman Test

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۴)، ملاحظه می‌شود که اثر متغیر ضریب جینی بر مصرف سرانه بخش خصوصی منفی و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد که این نتیجه گیری مطابق با مبانی نظری است. در مورد تأثیر منفی این متغیر بر مصرف سرانه می‌توان بیان کرد که با افزایش نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه، مصرف سرانه بخش خصوصی به طور معنی‌دار کاهش یافته است. شاید مهم‌ترین دلیل وجود رابطه معکوس بین مصرف سرانه بخش خصوصی و نابرابری درآمد در کشورهای مورد بررسی این است که با افزایش نابرابری درآمد، سهم دهک‌های درآمدی متوسط و پایین از کل درآمد کاهش یافته و به تبع آن مصرف نیز کاهش یافته است. علاوه بر این، مقدار عددی ضریب (ککش) حاصل از تخمین مدل (۰/۲۵-) نشان می‌دهد که یک درصد تغییر در نابرابری درآمد در کشورهای منطقه منجر به کاهش ۰/۲۵ درصدی در مصرف سرانه بخش خصوصی این کشورها می‌شود.

متغیر درآمد سرانه که در اغلب مطالعات با مصرف سرانه بخش خصوصی رابطه مستقیم داشته است، در این مطالعه نیز ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر، افزایش یک درصدی درآمد سرانه این کشورها، به طور متوسط میزان مصرف سرانه بخش خصوصی کشورها را به میزان ۰/۴۲ درصد افزایش داده است. به بیان دیگر، طبق مباحث اقتصاد کلان، با افزایش درآمد سرانه قدرت خرید مصرف‌کنندگان افزایش یافته و به تبع آن میزان مصرف آنها نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر منفی بودن ضریب به دست آمده از تخمین مدل برای متغیر نرخ بهره حقیقی حاکی از ارتباط معکوس بین این متغیر و مصرف سرانه بخش خصوصی کشورهای مورد بررسی می‌باشد. طبق مباحث اقتصاد کلان وجود این رابطه را می‌توان به این صورت تحلیل کرد که از یک سو با افزایش نرخ بهره حقیقی، میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یافته که این امر منجر به کاهش میزان پس‌انداز و هم‌چنین کاهش سطح درآمد می‌شود. در نتیجه با کاهش درآمد، مصرف نیز که تابعی مستقیم از سطح درآمد می‌باشد، کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، طبق تحلیل تئوری مصرف بین دوره‌ای فیشر، با افزایش نرخ بهره حقیقی هزینه فرصت مصرف بیشتر شده و به عبارتی مصرف جاری برای خانوارها پرهزینه‌تر می‌شود. گران‌تر شدن هزینه‌های مصرفی خانوارها از طریق اثر جانشینی انگیزه پس‌انداز خانوارها را بیشتر کرده و در نتیجه مصرف را کاهش می‌دهد.

بنابراین، با افزایش نرخ بهره حقیقی مصرف دوره جاری کاهش می‌یابد. لذا به لحاظ تئوریک انتظار بر این است که با افزایش نرخ بهره حقیقی، میزان درآمد کاسته شده و در نتیجه مصرف بخش خصوصی نیز کاهش یابد. ضریب برآورد شده متغیر نرخ بهره حقیقی نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی نرخ بهره حقیقی منجر به کاهش معادل ۰/۱۱ درصد در میزان مصرف سرانه بخش خصوصی شده است.

در بخش دیگری از مقاله، به منظور بررسی تحلیل حساسیت^۱ نتایج مدل، دوره زمانی مورد مطالعه به دوره‌های مختلف زمانی تعدیل شده که نتایج حاکی از استحکام و پایداری ضرایب مدل می‌باشد. به عبارت دیگر با تعدیل دوره زمانی مورد مطالعه^۲، کماکان تأثیر متغیرهای نرخ بهره حقیقی و ضریب جینی منفی و معنی‌دار و تأثیر متغیر درآمد سرانه مثبت و معنی‌دار است. نتایج بررسی تحلیل حساسیت مدل در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول (۵). نتایج بررسی تحلیل حساسیت مدل

مدل با اثرات تصادفی (Random Effect)			
متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
C	۱/۱۷	۲/۲۴	۰/۰۰۲
LGDP	۰/۵۴	۱۲/۱	۰/۰۶
LGINI	-۰/۴۶	-۱۸/۸۱	۰/۰۳۳۸
LR	-۰/۰۳	-۳/۱۸	۰/۰۰۳
$DW = 1.43$ و $F = 96.67$ ، $\bar{R}^2 = 0.96$ ، $R^2 = 0.97$ Number of Cross Sections after adjustments=۱۰، Observation=۱۸۰			

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج برآورد مدل ملاحظه می‌شود، تأثیر درآمد سرانه بر مصرف بخش خصوصی در این کشورها مثبت و تأثیر متغیرهای ضریب جینی و نرخ بهره حقیقی بر مصرف منفی و معنی‌دار بوده است. نتایج حاصل از این مطالعه با مبانی نظری موضوع و مطالعات تجربی صورت گرفته نظیر

۱- Robustness

۱- دوره زمانی مورد بررسی به دوره ۲۰۰۶-۱۹۸۵ تعدیل شده است.

براون (۲۰۰۴)، کین و همکاران (۲۰۰۹) و بلاندل و اتریگ (۲۰۱۰) سازگار می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی

در این مطالعه که هدف اصلی آن بررسی اثر توزیع درآمد بر مصرف سرانه بخش خصوصی در کشورهای منطقه منا طی سال‌های (۲۰۰۶-۱۹۷۵) می‌باشد، آزمون‌های متداول اقتصادسنجی بر اساس رهیافت داده‌های تابلویی انجام شده است که به طور اجمالی نتایج زیر حاصل شده است:

۱- با افزایش نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه، مصرف سرانه بخش خصوصی کاهش یافته است که این امر ناشی از افزایش میل نهایی به پس‌انداز (در نتیجه افزایش نابرابری درآمد) و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد. به بیان دیگر، با افزایش نابرابری درآمد در این گروه کشورها، میزان درآمد کاهش یافته و در نتیجه میزان مصرف بخش خصوصی نیز کاهش پیدا می‌کند.

۲- افزایش یک درصدی درآمد سرانه، میزان مصرف سرانه بخش خصوصی برای این کشورها را به میزان ۰/۴۲ درصد افزایش می‌دهد و اثر افزایش درآمد، از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

۳- در این کشورها افزایش ناچیز در نرخ بهره حقیقی منجر به کاهش در میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه کاهش در میزان درآمد و مصرف سرانه بخش خصوصی می‌شود. با توجه به نتایج این مطالعه، موارد زیر می‌تواند به عنوان توصیه‌های سیاستی در این گروه کشورها قابل طرح باشد:

۱- با توجه به تأثیر منفی نرخ بهره حقیقی بر مصرف بخش خصوصی در این کشورها، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی در کشورهایی که نیاز به افزایش مصرف دارند، با اعمال سیاست‌های پولی و مالی مناسب، نرخ بهره حقیقی را کاهش داده و برای کشورهایی که نیاز به منابع پس‌انداز بیشتری دارند، نرخ بهره حقیقی را افزایش دهند. از طرف دیگر با توجه به وجود طبقات و گروه‌های مختلف درآمدی در این گروه کشورها، نمی‌توان افزایش مصرف بخش خصوصی را برای تمامی گروه‌های درآمدی توصیه نمود.

۲- افزایش نابرابری‌های درآمدی در این کشورها، از طریق کاهش مصرف بخش خصوصی رشد اقتصادی آنها را تضعیف خواهد نمود. بنابراین، به منظور کاهش نابرابری‌های درآمدی و

افزایش میزان مصرف در این کشورها، سیاست‌های باز توزیعی نظیر پرداخت‌های انتقالی و اعطای یارانه‌ها توصیه می‌شود.



References:

- ۱- Abrishami, H., Mehrara, M. and Khatabakhsh, P. (۲۰۰۵), “**The Relationship between Economic Growth and Income Distribution in Iran**”, Quarterly Journal of Humanities and Social Sciences, No.۱۷:۱۳-۵۲ (in Persian).
- ۲- Adams, R. H. (۲۰۰۳), “**Economic growth, Inequality and poverty: Findings From a new data set**”, policy Research working paper Series, No.۲۹۷۲.
- ۳- Biswal, U.D. (۲۰۰۲), “Consumption and Income Inequality: The Case of Atlantic Canada ۱۹۶۹-۱۹۹۶”, **Canadian Public Policy**, No.۴:۵۱۳-۵۳۶.
- ۴- Blundell, R. and Etheridge, B. (۲۰۱۰), “Consumption, income and earnings inequality”, **Review of Economic Dynamics Journal**, Vol.۱۳:۷۶-۱۰۲.
- ۵- Brown, C. (۲۰۰۴), “**Does income distribution matter for effective demand? Evidence from the United States**”, Review of Political Economy, Taylor and Francis Journals, Vol. ۱۶, Issue. ۳: ۲۹۱-۳۰۷.
- ۶- Cutler, D.M. and Lawrence, F. K, (۱۹۹۲). “**Rising Inequality? Changes in the Distribution of Income and Consumption in the ۱۹۸۰s**”, NBER Working Papers, No. ۳۹۶۴, National Bureau of Economic Research, Inc
- ۷- Dirk K. and Fabrizio, P, (۲۰۰۶), “**Does Income Inequality Lead to Consumption Inequality? Evidence and Theory**”, Review of Economic Studies, Blackwell Publishing, Vol. ۷۳, and Issue. ۱: ۱۶۳-۱۹۳, ۰۱.
- ۸- Edwards, S., (۱۹۹۶), “**Why are Latin America’s saving rates so low? An international comparative analysis**”, Journal of Development Economics, Vol. ۵۱ : ۵-۴۴.
- ۹- Frances S. (۲۰۰۸), “**Income distribution and development**”, QEH working papers, No. ۳۷, Queen Elizabeth House, university of oxford.
- ۱۰- Foelmi, R.(۲۰۰۸), “**Inequality and Aggregate Savings in the Neoclassical**
- ۱۱- **Growth Model**”, Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, Working Paper Series, No.۳۹۵:۱-۲۰.

- ۱۲- Garry. F, Crossley, T. F and Worswick, C. (۲۰۰۰), “**Consumption and Income Inequality in Australia**”, The Economic Record, The Economic Society of Australia, Vol. ۷۶, No. ۲۳۳: ۱۱۶-۳۸.
- ۱۳- Gervais, M., Brzozowski, M. and Suzuki, M. (۲۰۱۰). "Consumption, Income, and Wealth Inequality in Canada," Review of Economic Dynamics, Elsevier for the Society for Economic Dynamics, Vol. ۱۳, Issue. ۱: ۵۲-۷۵.
- ۱۴- Hong, K. (۱۹۹۵), “Income distribution and aggregate saving”, unpublished manuscript, Harvard University, Cambridge, MA, November.
- ۱۵- Hongyi , L. & Lixin , c. and Heng,F.Z. (۲۰۰۰) , “Corruption , Income distribution and Growth” , Journal of Economics and Politics, Vol . ۱۲:۱۵۵ – ۱۸۲.
- ۱۶- Kruger,D. and Perri. F (۲۰۰۲), “Does income inequality lead to consumption inequality? Evidence and Theory”, NBER Working Paper, No.W۹۲۰۲:۱-۱۵.
- ۱۷- Mahdavi Adeli, M.H. and Ranjbaraki, A. (۲۰۰۵), “The Investigation of Long-run Relationship between Economic Growth and Income Distribution in Iran”, Quarterly Journal of Economic Researches, No.۱۸:۱۱۳-۱۳۷ (in Persian).
- ۱۸- Mankiw, N. G.(۲۰۰۳), “Macroeconomics”, fifth edition, worth publisher.
- ۱۹- Mark, D. P. (۲۰۰۵), “Does Income distribution Affect U. S. sate Economic Growth?”, Journal of Regional Science, Vol. ۴۵: ۳۶۳ – ۳۹۴.
- ۲۰- Morana, C. (۲۰۰۳), “Long – Run Growth and Income distribution: Evidence For Italy and the USA”, Journal of Giornale degli Economistse Annali di Economia , Vol ۶۲: ۱۷۱ – ۲۱۰.
- ۲۱- Paci , Pierella & Sasin , M . J. and verbeek , J. (۲۰۰۴) , “Economic growth, income distribution, and poverty in Poland during transition”, policy Research working paper Series , No.۳۴۶۷ , The world bank .
- ۲۲- Qin, D., Cagas , M . A. Ducanes . G, X. He, L. R. Shiguo, L (۲۰۰۹), “Effects

- of Income inequality on China's economic growth**", Journal of Policy Modeling, Vol. ۳۱: ۶۹ – ۸۶.
- ۲۳- Rassek, F. (۲۰۰۴) , “ **The interplay of international trade , Economic Growth and income convergence : A brief Intellectual history of recent developments** “ , Journal of International trade & Economic Development, Vol. ۱۳: ۳۷۱ – ۳۹۵.
- ۲۴- Sahota, G., (۱۹۹۳), “**Saving and income distribution, The Economics of Saving**”, Bustin Kluwer Academic Publishers:-۱۵.
- ۲۵- Serven, L, Hebbel, S, and Klaus, M., (۲۰۰۰), “**Income inequality and aggregate saving: the cross-country evidence**”, Policy Research Working Paper Series, No. ۱۵۶۱, The World Bank.
- ۲۶- Shahikitash, M.N. and Dehghani, A. (۲۰۰۸), “**Investigation of Income Distribution in Iranian Economy by Parametric Methods**”, Quarterly Journal of Economic Policies, Vol. ۱۴, No. ۶۶: ۱۴۹-۱۶۸ (in Persian).
- ۲۷- Shakeri, A. (۲۰۰۸), “**Macroeconomics: Theories and Policies**”, Pars Nevisa Publication, Tehran (in Persian).
- ۲۸- Sommer, M. (۲۰۰۸). “**Understanding the trends in income, consumption and wealth inequality and how important are life-cycle effects?**,” MEA discussion paper series: ۱-۵۹.
- ۲۹- Slesnick, D. (۱۹۹۸), “**Empirical Approaches to the Measurement of Welfare.**” Journal of Economic Literature, Vol. ۳۶: ۲۱۰۸-۲۱۶۵.
- ۳۰- Uge P. (۱۹۹۹) , “**Income Inequality and economic Growth : Evidence from the American Data**”, RES working papers ۴۱۷۸ , Inter – American Development Bank , Research Department.
- ۳۱- World Development Indicators, (۲۰۰۸), **WDI, CD Rom.**

Received: ۱۰, May, ۲۰۱۰

Accepted: ۹, Oct , ۲۰۱۰

پیوست:

جدول (پ-۱): فهرست کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

نام کشور	نام کشور
مالت	الجزایر
مراکش	بحرین
عمان	جیبوتی
قطر	مصر
عربستان سعودی	ایران
امارت متحده عربی	عراق
تونس	اردن
غزه و کرانه غربی	کویت
یمن	لبنان
سوریه	لیبی

منبع: لوح فشرده شاخص‌های توسعه بانک جهانی (۲۰۰۸)

